

حضر و موسی(ع)

در فرهنگ اسلامی

تألیف
قدرت الله مرادی



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۸۴

مرادی، قدرت الله
حضر و موسی(ع) در فرهنگ اسلامی / تألیف قدرت الله مرادی. - تهران : امیرکبیر، ۱۳۸۱.
۲۸۴ ص.

ISBN 964-00-0852-4

فهرستنامه بر اساس اطلاعات فیها.

چاپ دوم : ۱۳۸۴

۱. حضر در قرآن. ۲. موسی در قرآن. ۳. پیامبران در قرآن. الف. عنوان.

۲۹۷/۱۵۶ BP ۸۸/۴

خ ۴ م / ۴ کتابخانه ملی ایران

۰۰۴۷۴-۳۷۴۱۰



حضر و موسی(ع) در فرهنگ اسلامی
تألیف: قدرت الله مرادی
چاپ اول: ۱۳۸۱
چاپ دوم: ۱۳۸۴
چاپ و صحافی: چاپخانه سپهر، تهران
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
حق چاپ محفوظ است.

شابک ۴-۰۰-۰۸۵۲-۹۶۴ ISBN 964-00-0852-4

مؤسسه انتشارات امیرکبیر تهران، میدان استقلال .

WWW.AMIR-KABIR.COM

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱۱
بخش اول - خضر به استاد آیات و روایات و تفاسیر	۱۷
فصل اول - جلوه و لطف حق در قالب قصه	۱۹
منشآت یا مشابهات قصه	۲۰
حضر و الیاس یا «حضر یا الیاس»	۲۲
قصه‌ای هملگون یا داستان حضر در منابع یهود	۲۵
فصل دوم - آرایی مورخان و مفسران درباره داستان حضر و موسی (ع)	۲۷
روابط حضر و الیاس	۳۰
نسب حضر	۳۶
حضر در قصص اسلامی	۳۹
اختلاف درباره موسی (ع)	۴۱
اختلاف راجع به حضر	۴۴
اسامی و اعلام	۴۶
قصه حضر و موسی (ع) در تفسیر طبری	۴۸

۵۳	مأموریت خضر در نظام تشریع بود یا تکوین
۵۷	ادب موسی(ع) در برابر خضر
۵۸	داستان خضر و موسی(ع) در تفسیر زمخشri
۶۴	خضر در سفينة البحار
۶۸	وصیت خضر
۷۰	سفارش خضر به موسی(ع)
۷۱	سر اعتراض موسی(ع) به خضر
۷۱	نتیجه داستان خضر و موسی(ع)
۷۰	بخش دوم - تبیین و تشریع مقام ولایت، نبوت، رسالت، و...
۷۷	فصل اول - مقام حضرت خضر
۷۷	نقطه نظر ابن عربی و پیروان او در خصوص نبوت و رسالت
۷۹	ولایت از دیدگاه ابن عربی و پیروان او
۸۰	مقام ولایت برتر از مقام نبوت و رسالت است
۸۳	اضطراب عبارات ابن عربی در موضوع ختم ولایت
۸۹	تبیین و تشریع نیابت، رسالت و ولایت از نظر فقهی و عرفانی
۹۶	پاسخ امام حسن(ع) به خضر دلالت بر نبوت خضر دارد
۱۰۱	رمز و مسائل مربوط به آن
۱۰۷	معانی و تعاریف رمز، سمبل
۱۰۹	زمینه و انگیزه رمزگرایی
۱۱۱	رمز و قرآن و حدیث
۱۱۲	داستانهای پیامبران
۱۱۳	تأویل عرفانی داستان موسی(ع) و خضر از سعید الدین فرغانی
۱۱۵	مقایسه تفسیر روان شناختی یونگ از داستان خضر و موسی(ع)
۱۲۲	دیدار با خضر صورتی دیگر از دیدار با فرشته است
۱۲۷	بخش سوم - باورهای صوفیه در مورد خضر و خضر در ادبیات عرفانی
۱۲۹	فصل اول - باورهای صوفیه در مورد خضر
۱۳۵	خضر در ادبیات عرفانی

خضر توفیق	۱۳۰
خضر وقت	۱۳۶
خضر همت	۱۳۶
خضر پی خجسته	۱۳۶
خضر مبارک پی	۱۳۶
خضر فرخ پی	۱۳۶
خضر راه	۱۳۷
خضر راهی	۱۳۷
خضر راه راه	۱۳۷
خضر رهی	۱۳۷
خضر روار	۱۳۷
خضر روشن	۱۳۷
خضر صلح و ش	۱۳۷
تشییه به آجان	۱۲۸
خضر یعنی شناخت و معرفت	۱۲۸
خضر معنی	۱۲۹
خضر شدن	۱۲۹
خضر و اشعار عاشقانه	۱۴۱
شخصیت خضر به عنوان پیر در ادبیات عرفانی	۱۴۴
اندر صفت بیابان	۱۴۸
خضر در دیوان حافظ	۱۴۹
آب خضر	۱۴۹
اسکندر و خضر و آب حیوان	۱۵۲
گزارش نظامی گنجوی از این داستان	۱۵۵
خضر در نزد عرقا	۱۵۶
خضر در دیوان عطار	۱۵۸
خضر از دیدگاه سعدی	۱۶۰

۱۶۲	حضر در مثنوی معنوی
۱۶۶	قصه دفرقی
۱۶۷	آنچاکه انسان پس از غوطه خوردن در اقیانوس قطره‌ای را آرزو می‌کند
۱۶۸	تفسیر اپیات
۱۶۹	هدف داستان حضر و موسی(ع) در قرآن
۱۷۱	تفسیر اپیات
۱۷۲	وجه همگونی موسی(ع) و حضر با مولوی و شمس تبریزی
۱۷۳	در احوال ملاقات شدگان حضرت حضر
۱۷۴	بشر حافی
۱۷۴	بایزید
۱۷۵	بلال خواص
۱۷۵	ابوبکر و راق در وصف محمد بن علی الترمذی
۱۷۵	ابوبکر و راق
۱۷۶	ابوبکر کنانی
۱۷۶	حضر در فتوحات
۱۸۱	قصه موسی(ع) و حضر
۱۹۲	گنج بیمان در قصه موسی(ع) و حضر
۱۹۳	النوبه الثالثه
۱۹۴	برتری موسی(ع) بر حضر
۱۹۵	اسرار عرفانی کارهای حضر
۱۹۷	تفسیر و تأویل عرفانی حکایت موسی(ع) و حضر از دیدگاه نور علیشاه
۱۹۸	سبب طلب موسی(ع) پس از مقام رسالت و داراشدن مقام عزم
۲۰۳	او صاف «ولی» هفت است
۲۱۳	مراتب سلوک
۲۲۳	علت مأمور شدن موسی(ع) به ملاقات با حضر
۲۲۵	توصیل به راهنمای
۲۳۰	اسفار موسی(ع) در کشف الاسرار خواجه عبدالله انصاری

۲۳۳	مراتب شهدو
۲۳۶	شرح سلوک موسی(ع) و راهنمایی خضر در شرح کتاب گلشن راز
۲۷۵	فهرست منابع
۲۸۱	فهرست اعلام

مقدمه

«وَكُلًا تَقْضِي عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّؤْسِلِ مَا تَنْتَهِي بِهِ فُؤَادُكَ وَجَاهُكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذَكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ». (سوره هود، ۱۲۰)

«ما حکایت و اخبار انبیا را برو بیان می کنیم تا قلب تو را به آن قوی و استوار گردانیم و در این، (شرح حال رسولان) طریق حق و راه صواب بر تو روشن شود و اهل ایمان را پند و عبرت و تذکر باشد.»

آه سری هست اینجا بس نهان که سوی خضر می شود موسی روان چون داستان زندگی پیامبران عظیم الشأن الهی علیهم السلام این فاتحان قله رفع انسانیت همخوان با فطرت پاک و خداجوی انسانی و ارائه دهنده راه یکتاگرایی و در بردارنده بیداری دلهای آدمیان است، پس گسترش و بازخوانی آن می تواند مایه شوق و رهپوی مردم در راه راست خداوندی در این وانفسای دنیاخواهی و مادیگرایی شود. انبیا عظام الهی علیهم السلام انسانهای کاملی هستند که به اسرار ربوبی جل شانه آگاهی یافته اند. برخی از ایشان افزوون بر بیوت انبیائی به منصب رسالت نیز میتوث شده اند تا در هر زمانه و نسلی با ندای ملکوتی خویش جانهای مهجور و غریب انسانهای خودگم کرده را از غریبستان خودگرایی و هواپرستی که بزرگترین بت انسان است به مفاد کریمه «افرایت من اتَّخَذَ اللَّهَ هُوَاهُ» (سوره جاثیه، ۲۳) به قریبستان نفحه الهی خویش به مصدق اکرمیه «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (سوره حجر، ۲۹) که همانا اصل اصیل انسانی است

رهنمون سازند.

در شمار این پیشوایان الهی، دیدار حضرت موسی(ع) و خضر از مرموختین و مهیج ترین قصص قرآنی است. و همان‌گونه که خداوند تعالی در قرآن شریف به نبی مکرم اسلام محمد(ص) خطاب می‌فرماید: «وَاقْصُصُ الْقَصْصَ لِعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (سوره اعراف، ۱۷۶) منظور اصلی شرح سلوک پیامبری عظیم است. پیامبری که به حکم حکمت بالغه الهی در پیکرۀ یک کلاس - که به تعبیری نمادین و به معنای راستین طرح تکاملی معرفتی که از جمیع جهات کامل و جامع است - به انسان مقام خلیفة الهی را در ضمن آگاهی به ترتیب و تشکیک جلوه‌های معرفتی، او را به سیر در تخلق به اسماء و صفات الهی از جمله «کل یوم هو فی شأن» هدایتگر باشد.

از آنجاکه آرمان‌گرایی گرایش به رهایی از تنگنای مرز واقعیتها و جهش به سوی افق گسترده و بی‌پایان حقیقتها و رسیدن به کمال است، انسان به گونه‌ای بنیادین کمال جوی آفریده شده است. او آفریده‌ای است که در کنه ذات و در سازمان وجودی اش نیروها و استعدادهای بالقوه‌ای است که باید در سایه پرورش و آموزش درست به مرحله پویش برسد تا یاریگر او در اراثه هستی مادی و معنوی شود. اما برآورده شدن آرزوها و هدفهای متعالی انسان نیاز به استاد روحانی و رهبری تکامل یافته و آگاه و باخبر از راه و رسم منزلها دارد. و چون همای سعادت و بهروزی بر قله رفیع خردمندی و آگاهی مکان گرفته و آب حیات در ظلمات زحمت و پایداری جاری است مسلماً برای او قطع این مرحله بی‌همراهی خضر ممکن نیست. پیامبران، اولیا، حکما، فلاسفه، و دانشمندان راستین تندیسهایی از عظمت و مظاهری از کمالند که از قدیمی ترین ازمنه تاریخ در گذرگاه فرهنگ انسانی الهام‌بخش کاروان بشریت به سوی فضیلت بوده‌اند. آنها مدینه‌های فاضله و بهشتی‌ای گمشده انسان را به او نموده‌اند و او را در راستای دستیابی به سرچشمۀ کمال به تکاپو واداشته‌اند.

خدایان اسطوره‌ای یا انسان‌واره‌ای، قهرمانان روین تن و جهان پهلوانان داستانهای اساطیری و حمامه‌های ملی کشورهای باستان چون یونان و ایران و هند (آدم کدمول) در دین یهود و انسان‌کهن در آئین مانی و انسان نخست در کیش مزدا، مسیح در عیسویت و انسان کامل (پیامبر اکرم(ص)) در اسلام، و شخصیت‌هایی با عنایون قطب و ولی در تصوف

اسلامی از آن جمله‌اند.

در جوامع نخستین و ملتهای باستانی چشم‌انداز تاریخ اجتماعی و فرهنگی گذشته آنها با اساطیر آغاز می‌شود. انسان آرمانی یا خداگونه مظہری از قدرتهای فراتطیعی است که با گذشت زمان در سیمای قهرمانان حمامه‌های ملی نظری پهلوانان موجود در آثاری چون ایلیاد و اودیسه هومر، شاهنامه فردوسی و مهاباراتا آشکار می‌شود و با عملیات خارق‌العاده و فوق انسانی آرزوهای برآورده نشده قبیله، قوم، و یا ملت خویش را در فضای داستانهای حمامی به نمایش می‌گذارند.

در راستای این افتضای انسانی با انگیزه تحلیل ابعاد شخصیت حضرت خضر به منظور سازندگی بنای فرهنگ جهان هماهنگ با نیروی بالندگی و رشد اندیشگی و نشان دادن مظاهر ارتفا و کمال در وجود انسانهای برتر، این نوشته بازگوی تلاشی است در ادبیات اسلامی و عرفانی، برای نشان دادن تأثیر شگرف و عظیم چهره‌ای از تبار اولیا و فرزندی صالح از خاندان اصفیا که همیشه راهنمای و مرشد سرگشتشگان وادی حیرت و ضلالت بوده است. اینها کسانی هستند که دستگیر جاماندگان از قافله کاروان بشریتند. این قافله همانند رودخانه‌ای در حال سیر و پویش و تکاپو و جست‌وجو از ابد آغاز گردیده و به ازل مرتها می‌شود. اینها انسانهای بینا و روشن روانی هستند که شریعت را شناخته‌اند و طریقت را گذرانده‌اند و در حقیقت سیر می‌کنند و چشم درون آنها که ذات اشیا را آن‌گونه که هستند شناخته و آن‌گونه که باید باشد دیده است. ابرمردانی که آفرینش آفریدگان و عظمت آفرینش و زیبایی طبیعت و سوزوگذار عرفا و تحمل رنج زحمت ستمدیدگان به خاطر آنها بوده است.

اگر در پنهان تاریخ از آغازین ترین و بدؤی ترین انسان عصر کهن تا پیشرفته‌ترین انسان همروزگار که زندگی او همراه با فن‌آوری و نوین‌ترین وسایل تکامل مادی بشر است با دقت و حساسیت ویژه‌ای بنگریم، به این نکته انگشت تأیید خواهیم گذاشت که بشر بدون راهبر و راهنمای زنده نبوده است و بی نیاز از او نخواهد بود؛ با این اوصاف تلاش شده است که زندگی انسان بزرگواری از جرگه راهنمایان راه انسانیت و حقیقت بررسی شود و او کسی جز حضرت خضر نیست. انسان ایدآل‌گراست و ایدآل‌گرایی گمشده ذهنی اوست. حضر نمایانگر ایدآل است.

رخدادهای زندگی این مرد آرمانی که همواره در هاله‌ای از ابهام فرورفته است ضرورت بررسی رامی طلبد، چراکه بازتاب آن در ادبیات و اینکه گاهی مورد شک و تردید و ابهام خوانندگان بویژه جوانان قرار گرفته است، ضرورت این مهم را آشکارتر می‌کند. پس، هدف از این نوشتار، شناساندن این شخصیت اسطوره‌گونه است که بنا به باور عده‌ای زندگی او در فضای اساطیری رقم خورده است. و با توجه به اینکه پژوهش در این مهم در برگیرنده تفسیر و تحلیل داستان عرفانی و رمزآمیز است، فهم این داستان مستلزم درک معانی مجازی واژگانی است که به نمایندگی اشخاص، حیوانات، اشیا، و مکانها، چارچوب ظاهری داستان را شکل می‌بخشد. این واژگان به منزله رمزی هستند که راه بردن به درونمایه و دست یافتن به راز و حقیقت مکتم متن جز از راه گشودن آنها می‌رسد. رمز، اصولاً با احوال و عوالم و تجارب و حقایقی ارتباط پیدا می‌کند که از گونه تجربه‌های راستین و مادی و معمولی و مشترک میان افراد نیست. علی‌رغم هر توجیهی که علم در جهت رد یا تصدیق تجاربی از این دست بکند، به هر حال چنین تجاربی وجود دارد و حاکی از بخشی از قابلیتها روح انسانی است که در وحی و الهام و رؤیا و احوال و عوامل روحانی فعلیت می‌یابد. جلوه‌های رنگارنگ آن به گونه کتابهای آسمانی، رخدادها و مکاشفات عرفانی و اساطیری و رؤیا و شعر و هنر ناب نمود و تجلی صوری یافته است، پس، رمز در ارتباط با همین احوال و عوالم و آثار است که باید موضوع تأمل قرار گیرد.

حقیقت وجود خضر همانند خورشید است که در پشت ابر پنهان مانده است؛ آیا کسی می‌تواند وجود خورشید راکه سرچشممه روشنایی جهان است انکار نماید. اگر ما نیز خضر را به همان خورشید پناه گرفته در پشت ابرها تشییه کنیم راهی به خطاب رفته‌ایم. اما باید کوشش شود عواملی راکه مانع مشاهده این دلیل بزرگ و این آیت اعظم شده است را کنار زد. چراکه بایسته است اشعة عالمتاب و نور گرمی بخشن آن بزرگوار تسکینی باشد بر دلهای تاریک و گرفتار چاه ظلمانی بشریت که همیشه بدین پندارها گرفتار و در این بندها ماندگار شده است. ما نیز به اندازه توان خود -با امید به عنایت الهی و دستگیری راهنمایان فرزانه - کوشش می‌کنیم پرده‌ای راکه موجب گمنامی و ابهام این خورشید شده را کنار بزیم. انشاء الله که علم لدنی آن بزرگوار راهنمای شود و ما را به

سرچشمه هستی دانش بشری رهنمون باشد.

این نوشتار مشتمل بر سه فصل اصلی و یک فصل پیوستاری است. در بخش نخست آن به معرفی شخصیت خضر و دیدار او با حضرت موسی(ع) به استناد آیات و روایات و تفاسیر اسلامی پرداخته شده است. این بخش دربردارنده مباحثی از جمله حکمت بیان حقایق در قالب قصه، منشآت یا مشابهات این قصه، اختلافات در تواریخ و گفتار راویان و مفسران درباره این دیدار که مواردی را از جمله نسب خضر و بیان ویژگیهای شخصی او سر اعتراض موسی(ع) به خضر است. بخش دوم با توجه به بحث پرسش‌انگیز برتری یا تقدم مقام ولایت بر نبوت از سوی صوفیه، بحث تبیین و تشریح مقام نبوت و ولایت ضرورتاً را شامل می‌شود و همچنین به جهت رمزآمیزی داستان، معنا و بیان نکات مربوط به رمز مکمل این فصل است. با این توضیح که بحث، تبیین، تشریح مقام نبوت و ولایت، مطالبی از جمله بیان نقطه‌نظر ابن عربی و پروان او در خصوص نبوت، رسالت، ولایت، برتری مقام ولایت بر نبوت و رسالت و علو مراتب موسی(ع) بر خضر، بیان و شرح اصطلاحات نیابت، رسالت، و ولایت از نظر فقهی و عرفانی را در بر دارد. و بحث مکمل این فصل یعنی رمز، عناوینی از جمله معنای لغوی و اصطلاحی رمز و سمبول، زمینه و انگیزه رمزگرایی، رمز و قرآن و حدیث داستانهای پیامبران، تأویل عرفانی داستان، مقایسه تفسیر روان‌شناختی یونگ از داستانهای خضر و موسی(ع) با تأویلهای صوفیانه و عارفانه، دیدار با خضر صورتی از دیدار با فرشته است را شامل است. و سرانجام فصل سوم مربوط است به باورهای صوفیه در مورد خضر و خضر در ادبیات عرفانی، خضر عامل غنی و پویایی و تحول در ادبیات، شخصیت خضر به عنوان پیر در ادبیات عرفانی، خضر در دیوان حافظ، خضر در نظامی گجوي و خضر در دیوان عطار، خضر از دیدگاه سعدی، خضر در مثوى معنوی، وجه همگونی حضرت موسی(ع) و خضر با مولوی و شمس، ذکر مواردی از ملاقات شدگان به حضرت خضر، خضر در فتوحات، و فصوص و تفسیر عرفانی داستان در کشف الاصرار و از دیدگان سلطان حسین تابنده (نور علیشاه)، اسفار موسی(ع) در کشف الاصرار خواجه عبدالله انصاری و شرح سلوک حضرت موسی(ع) و رهبری و راهنمایی خضر در گلشن راز و مثوى موسی و خضر. شایسته است که صمیمانه و حقیرانه از محبت و عنایت بزرگوارانه استاد فرزانه

جناب آقای دکتر فتح‌الله مجتبایی که حقیر را در این امر، ظهیر و هادی بوده، تظاهر به سپاس و امتنان قلبی نمایم و همچنین از تمام کسانی که به نحوی از انجا در این خصوص بذل عنایت نموده کمال سپاس و قدردانی را من نمایم.

و من الله التوفيق

قدرت الله مرادي